

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۴

وصول مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴

صفحات: ۱۸۰ - ۱۶۱

تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در فرایند استراتژی توسعه شهری (بررسی تطبیقی مناطق سه‌گانه شهر قزوین)

دکتر اسماعیل نصیری هنده خاله^۱

چکیده

فرایند استراتژی توسعه شهری (CDS) به‌عنوان رویکردی نوین در برنامه‌ریزی شهری توسط سازمان ائتلاف شهرها در سال ۱۹۹۹ با هدف افزایش ارتقای مشارکت شهروندان و ایجاد حکمروایی خوب شهری مطرح گردید. در این پژوهش، جامعه آماری مورد مطالعه، شامل شهروندان مناطق سه‌گانه شهر قزوین است که به صورت تصادفی با استفاده از پرسش‌نامه و تحلیل نرم افزار آماری SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی، باهدف سنجش متغیرهای مؤثر بر مشارکت شهروندان در فرایند استراتژی توسعه شهری مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های آمار ناپارامتری براساس آزمون F-TEST بین رابطه تحصیلات و میزان مشارکت در توسعه شهری، نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده در میزان مشارکت شهروندان در فرایند توسعه شهری در هر سه منطقه بر حسب تحصیلات واقعی بوده است و قابل تعمیم به جامعه آماری است و تفاوت‌های مشاهده شده بین میزان درآمد و مشارکت شهروندان از طریق F-test در منطقه ۳ بر حسب درآمد واقعی نبوده است و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست. نتایج بررسی رابطه بین شناخت و میزان مشارکت در تصمیم‌سازی و توسعه شهری از طریق ضریب همبستگی در منطقه ۳ برابر با ۰.۴۵۶ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. باید افزود که یافته‌های آزمون T، رابطه معناداری را بین توانمند سازی و میزان مشارکت در توسعه شهری در هر سه منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. از مؤثرترین مؤلفه‌های تأثیرگذار و ساختار فرصت در رویکرد استراتژی توسعه شهری در سطح مناطق مورد مطالعه، می‌توان از اصلاح و تغییر نگاه مدیریتی، داشتن رویکرد چشم‌اندازسازی همراه با مشارکت واقعی شهروندان را به‌عنوان یک ضرورت تام در فرایند استراتژی توسعه شهری قزوین نام برد.

کلید واژگان: استراتژی توسعه شهری، مشارکت، شهروندان، شهرقزوین، مدیریت شهری، پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

مقدمه

در چند سال اخیر رویکرد استراتژی توسعه شهری به‌عنوان یکی از جدیدترین و کارآمدترین پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری مطرح شده است. این رویکرد، ابزار جدیدی برای کمک به توسعه و پاسخی به تسکین فقر شهری و توسعه اقتصاد محلی می‌باشد (حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲) این فرایند دربرگیرنده تحلیل توسعه اقتصادی و اجتماعی و تعیین اولویت‌ها برای سرمایه‌گذاری و حمایت‌های توسعه‌ای از طریق اقدامات مشارکتی است (مطوف، ۱۳۸۰: ۷۸). یکی از ویژگی‌های مهم استراتژی توسعه شهری، مشارکت شهروندان در تمامی مراحل تهیه آن است. فرایند مشارکت استراتژی توسعه شهری، فرایندی دوسویه است (flusika, 2009: 89) و شامل ارائه اطلاعات به مردم و گرفتن عقاید و نظرات و همکاری آنان می‌باشد (کاردار، ۱۳۸۸: ۹). به‌طوری‌که شهروندان تعیین‌کننده فرایند توسعه شهر هستند و دموکراسی شهری سبب افزایش مشارکت شهروندان در فرایندهای برنامه‌ریزی و اداره شهرها می‌شود (falekan, 2012: 88).

در این رویکرد روش‌های مشارکتی مورد تأکید قرار گرفته و هدف اصلی آن تأمین توسعه پایدار شهری از طریق ایجاد پتانسیل اجتماعی برای افزایش چشم‌انداز مشارکتی است (rizter, 2008, 65). شهرداری قزوین بر پایه شش معاونت و ۱۴ سازمان تابعه شکل گرفته است. در چشم‌انداز شهرداری قزوین، این شهرداری نهادی مردمی و دانش محور معرفی شده است تا شهر تاریخی و فرهنگی قزوین را به شهری ایمن، شاداب، پایدار با رونق اقتصادی و جاذبه‌های گردشگری تبدیل نماید.

طرح‌های توسعه شهری در قزوین به عللی؛ چون: عدم توجه به محرکه‌های حرکات جمعیتی (که تحت مکانیزم جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی صورت می‌گیرد)، طولانی بودن زمان تصویب طرح‌ها، فقدان

نگرش منطقه‌ای در تهیه طرح‌های توسعه شهری، عدم تعریف و تثبیت جایگاه شهر در نظام سلسله‌مراتبی و عدم توجه به عملکرد غالب شهرها (جهت تعیین گره‌های قابل توسعه شهری) و ضعف ضوابط قانونی، نتوانسته‌اند راهگشای مناسبی برای حل معضلات شهری باشند و در بسیاری موارد طرح‌های شهری محصولی وارداتی بوده و برای بومی سازی آنها کوششی انجام نگرفته است.

در این رابطه موضوع دیگری که قابل اشاره است این است که، شهروندان قزوینی، به‌عنوان موکلین برنامه‌ریزان و طراحان شهر تا چه حد ظرفیت آگاهی و توانایی لازم برای مشارکت را دارا می‌باشند و تا چه حد می‌توان مردم را در برنامه‌ریزی و تهیه طرح‌ها مشارکت داد. مشارکت فعال شهر قزوین در فرایند طراحی و مردمی کردن فرایند توسعه شهری، تحقق‌پذیری این گونه طرح‌ها را افزایش خواهد داد. اما سؤال‌سؤال اینجاست که میزان مشارکت مردم در اداره محله خود تا چه میزان است؟ موانع و مشکلات این مشارکت چیست؟ چه عواملی می‌تواند میزان مشارکت مردم در سطح محلات را افزایش دهد؟ برای پاسخگویی به این سؤال‌سؤال‌ات ناگزیر به بررسی میزان مشارکت مردم در سطح محلات می‌باشیم. پژوهش حاضر با موضوع تحلیل میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و عوامل مؤثر بر آن در مناطق سه‌گانه شهر قزوین در صدد سنجش مشارکت شهروندان در استراتژی توسعه شهری برآمده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

طرح‌های توسعه شهری قزوین در یک فضای آرمانی و جدا از واقعیات و ظرفیت جامعه شهری، برای شهر و شهروندان تدوین می‌گردد. در واقع قابلیت اجرایی ندارد، چرا که مطالعاتی در باب امکان‌سنجی و اجرایی بودن این طرح‌ها با توجه به شرایط و ظرفیت‌ها صورت

۱. بررسی رابطه بین آگاهی و اعتماد نسبت به مشارکت در توسعه شهری
۲. بررسی تفاوت در میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر حسب منطقه در شهر قزوین

پیشینه پژوهش

در پژوهشی که در سال ۲۰۰۹ و با عنوان حکومت محلی در ترکیه توسط پولات اقلو آلیوت انجام شده است، این نتیجه حاصل شد که بدون مشارکت شهروندان، شهرداری شهرهای کوچک قادر به انجام صحیح خدمات شهری نیستند (frsed,2009:76).
 راین در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی و عملکرد حکومتی در اجتماعات آیوا به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و عملکرد حکومتی در اجتماعات آیوا پرداخت و به این نتیجه رسید که در شهرهایی که سرمایه اجتماعی بیشتری داشتند، شهروندان حکومت‌های محلی خود را پاسخگوتر و کارآمدتر تعریف کرده بودند (ravin,2010:99). (کملیون در سال ۲۰۱۱ در منطقه ساسکاچوان به بررسی رابطه اعتماد و مشارکت مدنی پرداخت. وی به این نتیجه رسید که در سطح فردی اعتماد درون گروهی با مشارکت اجتماعی دارای همبستگی است (kamlion,2011:88). نتایج پژوهش شانل نشان داد که برای ترغیب افراد به مشارکت مدنی و اجتماعی تنها وجود اعتماد درون گروهی کافی نیست و باید اعتماد تعمیم یافته در بطن جامعه افزایش یابد که در نهایت موجب مشارکت مدنی در مسیر توسعه شهری می‌شود (sanel,2012,99).
کادمان با مطالعه بر روی جوامع محلی در برزیل به این نتیجه رسیده است که مشارکت، برنامه‌ریزی و توجه به اهداف پایداری، از جمله عناصر اصلی مباحث استراتژی توسعه شهری محسوب می‌شود (Kadman, 2013:10).

نگرفته است. لذا اینگونه طرح‌ها تنها تداعی کننده مفهوم شهرنشینی هستند و نه مفهوم شهرگرایی. در شرایط حاضر بسیاری از محلات شهری قزوین، نه بر اساس روند تکاملی فرهنگی، بلکه بر اساس تصمیم گیری دولتی ایجاد شده‌اند و نیازمند بررسی در مکانیزم مدیریتی و در عین حال، ابعاد اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری است.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که در بسیاری موارد فقدان پیش شرط‌های لازم، به عملی نشدن طرح‌های توسعه شهری در قزوین منجر شده است. بسیار واضح است که توجه اساسی به مکانیزم حاکم بر نظام برنامه‌ریزی و تعدیل آن در جهت دستیابی به نتایج مطلوب طرح، پیش ضرورت مطالعات مشارکت شهروندان را در استراتژی توسعه شهری آشکار می‌سازد. شهر قزوین از جمله شهرهای مهم و تاریخی کشور است که سابقه پایتختی نیز داشته است. این شهر جزء مراکز مهم علم و دانش در کشور بوده است. امروزه رویکرد "مشارکت محوری" باید در برنامه‌های توسعه شهری قزوین به شدت تقویت شود که از دلایل آن می‌توان به اهمیت یافتن نقش مردم در اداره امور زندگی اجتماعی خود، درس گرفتن از تجارب و روندهای توسعه شهری در دهه‌های گذشته، لزوم انطباق طرح‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی با نیازها و خواست‌های مردم، مشارکت شهروندان قزوین در مدیریت شهری و همچنین تحلیل میزان مشارکت در سطح محلات شهر قزوین پرداخته شده است.

اهداف پژوهش

هدف کلی از این تحقیق ارائه تحلیل مقایسه‌ای از میزان مشارکت مردم در مدیریت شهری در محلات شهر قزوین (مناطق ۱، ۲، ۳) می‌باشد که در این راستا اهداف جزئی ذیل دنبال می‌شود:

مطالعات برنر نشان می‌دهد که استراتژی توسعه شهری مربوط به اجرای سیاست‌هایی کارآمد و نظامند است، زیرا محیط شهری را خلق می‌کند که در آن اهداف پایداری شهر تأمین می‌شود (Brenner, 2014:77).

مرور تحقیقات داخلی کشور در زمینه مبحث مشارکت در توسعه شهری، بیانگر نقش و اهمیت این موضوع در مباحث برنامه‌ریزی شهری است، به طوری که نتیجه تحقیق دانیالی نشان می‌دهد که رابطه مشارکت‌های اجتماعی شهروندان و توسعه محله‌ای رابطه‌ای دو سویه است (دانیالی، ۱۳۸۶: ۴۴). عسگری به این نتیجه رسید که ارتقای ظرفیت و پتانسیل‌های محلی عاملی است برای توسعه محله و ظرفیت و پتانسیل‌های محلی بر مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر می‌گذارد (عسگری، ۱۳۸۷: ۴). تقوایی و همکاران در سال ۱۳۸۸ در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۴ شهر تبریز، به این نتیجه رسیدند که بین رضایتمندی افراد از خدمات رسانی شهری و احساس مالکیت و وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد با میزان مشارکت آنان رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد (تقوایی، ۱۳۸۸: ۲۶). نتیجه تحقیقات کاشمیری با عنوان بررسی اعتماد اجتماعی شهروندان به عنوان مؤلفه مؤثر بر مشارکت و همکاری آنان با شهرداری نشان داد که اعتماد اجتماعی بر مشارکت شهروندان مؤثر است و میزان مشارکت مردان، افراد شاغل، افراد با تحصیلات بالا و متأهلین بیشتر بوده است (کاشمیری، ۱۳۸۹: ۱۲). عزیزاده در نتایج پژوهشی مشخص کرده است که بین شناخت افراد از مشارکت، ارزیابی افراد از پیامدهای مشارکت، سابقه مشارکت افراد در امور مختلف، رضایت شهروندان از خدمات شهری و احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد (عیززاده، ۱۳۹۰: ۱۴). ناصری در تحقیقی با عنوان بررسی زمینه‌ها و تنگناهای مشارکت اجتماعی -

اقتصادی شهروندان در توسعه شهری در شهر همدان نشان داد که میزان مشارکت شهروندان تحت تأثیر رضایت، آگاهی، اعتماد و قانون‌مداری شهرداری قرار دارد و سن و وضعیت تأهل نیز بر میزان مشارکت تأثیر دارند (ناصری، ۱۳۹۱: ۴۵). نتایج پژوهش قاسمی‌نیا بیانگر آن است که مشارکت و فعالیت‌های داوطلبانه شهروندان شهری مناسب برای تأثیرگذاری بر روی تصمیمات؛ برنامه‌ریزی برنامه‌ریزی‌ها و اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آنهاست (قاسمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۵).

سؤالات و فرضیه‌ها

۱. این پژوهش قصد دارد به این سؤالات پاسخ دهد که ۱- آیا بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان در برنامه توسعه شهری رابطه‌ای وجود دارد؟ ۲- آیا بین آگاهی و اعتماد شهروندان نسبت به مشارکت مردم و میزان مشارکت آنان در توسعه شهری رابطه‌ای وجود دارد؟ ۳- آیا میزان مشارکت مردم در توسعه شهری در مناطق مختلف متفاوت است؟
۲. در همین راستا در جهت ارائه پاسخ به سؤالات یاد شده اقدام به طرح فرضیات ذیل شده است: ۱- به نظر می‌رسد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان بر میزان مشارکت آنان در استراتژی توسعه شهری تأثیر دارد. ۲- به نظر می‌رسد که بین آگاهی و اعتماد نسبت به مشارکت و میزان مشارکت شهروندان قزوین در توسعه شهری رابطه معناداری وجود دارد. ۳- به نظر می‌رسد میزان مشارکت مردم در توسعه شهری در مناطق مورد مطالعه، متفاوت است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش بوده است. با توجه به اینکه هدف تحقیق حاضر توصیف و بررسی رابطه متغیرهای مستقل (پایگاه اقتصادی - اجتماعی، اعتماد به مدیریت شهری و آگاهی شهروندان نسبت به

مازندران و از غرب به استان زنجان و از شرق به استان تهران و از جنوب به شهرستان بویین زهرا و تاکستان محدود می‌شود. جمعیت این شهر بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۱، ۴۸۳ هزار اعلام گردیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱: ۳۳) و دارای سه منطقه شهری است؛ منطقه یک که در جنوب شهر واقع شده است با ۱۰۶۰ هکتار مساحت بخش‌هایی از بافت تاریخی و بافت پیرامون شهر را شامل می‌شود. منطقه دو با مساحت ۸۱۲ هکتار از سمت جنوب به خیابان طالقانی و از غرب به خیابان نادری محدود می‌شود. منطقه سه از سمت جنوب به خیابان امام خمینی و از سمت شرق به خیابان نادری ختم می‌گردد. این منطقه ۸۱۴ هکتار مساحت دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قزوین، ۱۳۹۰: ۸۹).

تحلیل عوامل مؤثر مؤثر بر مشارکت شهروندان در فرایند استراتژی....

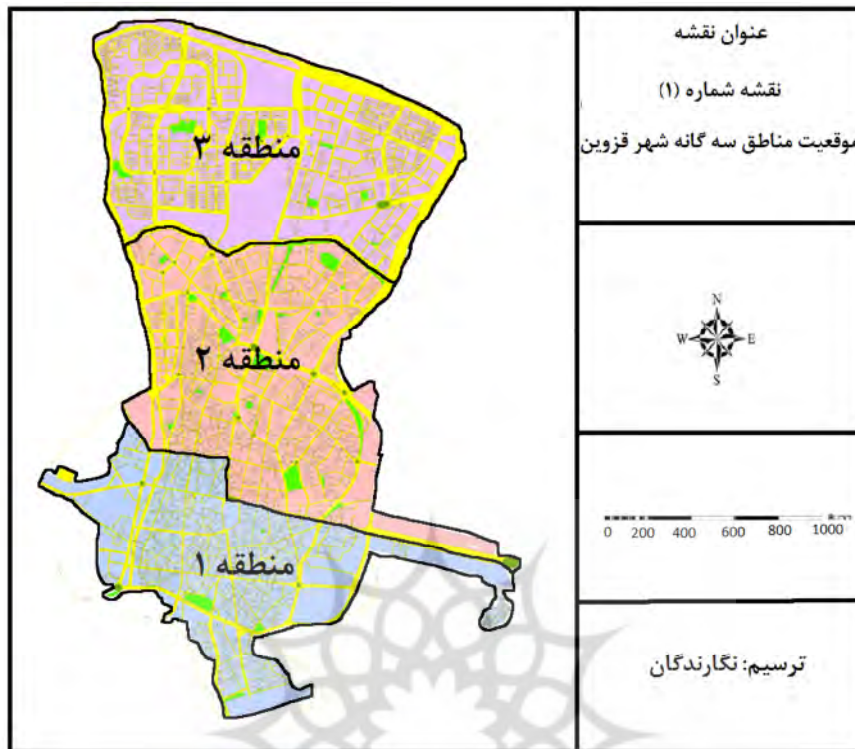
مشارکت) و متغیر وابسته (میزان مشارکت) است، در دو سطح اکتشافی و در نهایت قیاسی (فرضیه آزمایشی) و در محیط طبیعی و بدون دستکاری آزمایشی صورت می‌گیرد؛ لذا از روش توصیفی از نوع همبستگی استفاده می‌شود. در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته جهت سنجش فرضیات به کار برده می‌شود و از روش مصاحبه میدانی جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در فرایند پرسشگری شامل شهروندان مناطق یک، دو، سه شهر قزوین است. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و واریانس برآورد جامعه از ستون و حاشیه خطای ۵٪ چهارصد نفر به دست آمد که به صورت تصادفی در محلات مورد مطالعه توزیع و تکمیل شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق حاضر از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۶۹ مشاهده شده است؛ بنابراین اعتبار کل پرسشنامه تأیید شده است. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه، داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری Spss در دو سطح آمار توصیفی و آزمون‌های آمار استنباطی، تجزیه و تحلیل شدند.

متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیرهای مستقل در این پژوهش: «پایگاه اجتماعی - اقتصادی شهروندان»، «آگاهی شهروندان نسبت به مشارکت» و «اعتماد به مدیریت شهری» می‌باشد. متغیر وابسته در این پژوهش: «میزان مشارکت مردم در فرایند توسعه شهری» است.

محدوده قلمرو پژوهش

شهر قزوین با مساحتی حدود ۶۴/۱۳۲ کیلومتر مربع، به‌عنوان مرکز استان قزوین در دامنه جنوبی سلسله جبال البرز قرار دارد که از شمال به استان گیلان و



مفاهیم، دیدگاهها و مبانی نظری

- تعاریف

«استراتژی»، ریشه در مفاهیم نظامی دارد که اولین بار در کتاب «هنر جنگ» تألیف «سون تزو» در حدود شش قرن قبل از میلاد مطرح گردید. استراتژی به «چه باید انجام گیرد»، مربوط می شود که به نحوی با مفهوم برنامه‌ریزی (که به چگونه انجام گرفتن کار مربوط می شود) متفاوت است (هاشمی، ۱۳۹۲: ۸۸ - ۸۶). این مفهوم از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد توسط بیشتر شرکت‌های تجاری و سازمان‌های اداری از علوم جنگی و نظامی اقتباس گردید، اما مبانی نظری آن از نظریه سیستم‌ها و نظریه تصمیم‌سازی در مدیریت اخذ شده است (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۸۸).

برنامه‌ریزی استراتژیک سعی در بیان و معرفی وجوه درونی شهر دارد و با توجه به تعیین و جایگاه نقش

شهر در آینده، به بررسی ساختارهای درونی می‌پردازد (اکبری‌ان، ۱۳۹۲: ۳۰).

"استراتژی توسعه شهری رویکردی مشارکتی برای کمک به شهرهاست. این رویکرد همه ذینفعان و کنشگران توسعه در سطوح محلی و بین‌المللی را برای همکاری با یکدیگر در راستای پروراندن یک استراتژی توسعه برای یک شهر یا منطقه شهری خاص فرا می‌خواند. (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۶۳). استراتژی توسعه شهری هم فرایند و هم محصولی است که به کمک یکدیگر راه‌های ایجاد شرایطی برای پایداری شهر در زمینه‌های زیست‌پذیری، رقابت، مدیریت خوب و بانکی شدن را تعیین می‌کنند" (اشراقی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). فرایند استراتژی توسعه شهری با تکیه بر سرمایه‌های درونی جامعه شهری به حل مسائل و مشکلات آن به شیوه‌ای سیستمی و سلسله‌مراتبی می‌پردازد (محاذی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۸).

از همین رو در برنامه ریزی برای مشارکت دادن، حضور آگاهانه و معنادار شهروندان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و رفاهی و محلی، یکی از مهمترین دغدغه‌ها و ضرورت‌های مدیران شهری است (نوریان: ۱۳۹۱: ۱۷).

این نوع برنامه با ماهیت راهبردی و برای کمک به ایجاد دموکراسی، تصمیم‌گیری و بهبود وضع زندگی توسط سازمان ائتلاف شهرها (Cities Alliance) در سال ۱۹۹۹ پیشنهاد گردید. در استراتژی توسعه شهری شرایطی فراهم می‌شود که در آن به شیوه‌ای دموکراتیک و مشارکتی به حل مسئله فقر شهری و توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود (سعیدی، ۱۳۹۰: ۲۵۱). فرایند استراتژی توسعه شهری با تکیه بر سرمایه‌های درون جامعه شهری به حل مسائل و مشکلات آن به شیوه‌ای سیستمی و سلسله مراتبی می‌پردازد (Center for Urban Development Studies, 2001: 12). این رویکرد نوین به عنوان اقدامی عمده در قرن ۲۱ بر آن است که زمینه‌های برخوردار شدن شهروندان از زندگی و خدمات پایه شهری را فراهم ساخته و شعار «شهر کامل» را احیا کند.

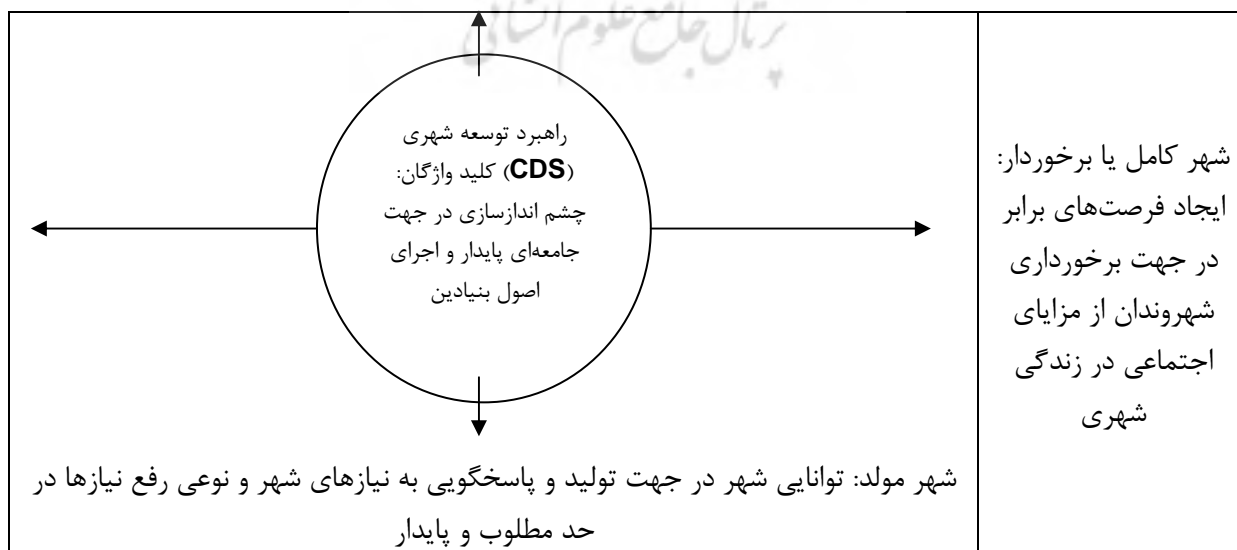
براساس تعریف بانک جهانی، استراتژی توسعه شهری فرایندی است که با مداخله و مالکیت ذینفعان محلی برای تدوین چشم‌اندازی جامع برای شهر خود ایجاد می‌شود. این فرایند دربرگیرنده تحلیل آرمان‌های شهر در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی و کاهش فقر، تعیین اولویت‌ها برای سرمایه‌گذاری و حمایت‌های توسعه‌ای و اجرای این چشم‌انداز از طریق اقدامات مشارکتی است (عسگری، ۱۳۸۷: ۴۵؛ نوروزی، ۱۳۸۹: ۲۵۳).

– دیدگاهها و مبانی نظری

در سال‌های اخیر، رویکردهای مختلفی در ارتباط با مدیریت شهری به وجود آمده است که استراتژی توسعه شهری در زمره مهمترین این رویکردهاست که خواستار تعامل میان نهاد شهرداری، جامعه مدنی و مردم، به منظور مدیریت بهتر شهرهاست (مشکینی، ۱۳۹۳: ۳۱).

در دهه اخیر بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی (از پایین به بالا) و بر اجتماعات محلی و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تأکید داشته‌اند (سعیدی، ۱۳۹۰: ۴۳) و (نجاتی، ۱۳۸۱: ۶۵).

شکل ۱: چارچوب تحلیلی برای عملکرد شهری از دیدگاه استراتژی توسعه شهری



شهر پایدار: ایجاد شهری قابل زندگی و در تعامل با محیط و منابع طبیعی	شهر با حکمرانی شهری: شفافیت و پویایی نظام سیاسی و سازمانی در جهت جذب علایق متنوع
--	--

Source: Cities Alliance, 2008: 25

غالباً تابعی است از ویژگی‌های متفاوت هر شهر (Kowato Foskl, 2013:44-45).

ماتزل معتقد است که طراحی و برنامه‌ریزی CDS هر شهری دارای این مراحل است:

۱- آماده سازی و تدارک ۲- تجزیه و تحلیل ۳- تعریف راهبرد ۴- اجرا ۵- مشاوره و استفاده مؤثر از پس خوردهای برنامه (Marull, 2012:46).

رویکرد CDS از طریق مکانیسم‌هایی چون مشارکت فعال شهروندان در فرایند توسعه شهری، می‌بایست شرایط اقتصادی و اجتماعی و کالبدی شهر را به سوی شرایط توسعه پایدار شهری هدایت و مدیریت کند (Kelvin, 2013:53-54).

در مورد ظرف زمانی برنامه‌ریزی CDS باید گفت که هر چند نباید ماهیت اجرایی در شش ماه تهیه شده و مدت زمان اجرایی آن با شرایط خاص هر شهری تعریف شود، اما این رویکرد برخلاف طرح جامع برای دوره‌های بسیار بلند مدت تهیه نمی‌گردد، چرا که شهر را به عنوان ارگان و سیستمی پویا مطالعه می‌کند که بتواند خود را با شرایط جدید وفق دهد (Jekwal, 2014:23).

رویکرد CDS از طریق ساز و کارهای فیزیکی و اجتماعی، باید قادر به برقراری ارتباط منطقی بین بخش‌ها و گروه‌های مختلف و ذی‌نفع شهری در فرایند برنامه‌ریزی شهری باشد (Humikan, 2012:33). بنابراین، فرایند CDS شامل استراتژی دورنمای یکپارچه شهری، بهبود حکومت و مدیریت شهری، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش سیستماتیک و مداوم فقر شهری است. بیشترین اهمیت این رویکرد، این

به طور کلی اهداف راهبرد توسعه شهری در قالب سه هدف عمده طراحی شده اند: الف) مدیریت و حکمرانی خوب شهری - حکمرانی خوب شهری شامل گستره وسیعی از مشارکت‌ها و همکاری میان مردم، دولت و بخش خصوصی است (Murizen, 2002: 50)؛ ب) رشد اقتصادی ج) کاهش فقر (اشرفی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). (UNCHS, 1999: 2) سازمان ائتلاف شهرها، رویکرد CDS را به عنوان راهکاری برای حل معضلات شهرها مطرح می‌نماید. در این راستا، مهمترین اصول راهبرد توسعه شهری عبارتند از: ۱- قابلیت زندگی: این مفهوم ریشه در کفایت اقتصادی، سیاسی و الزامات اجتماعی یک شهر دارد (Myers, 1987: 108). ۲- رقابت پذیری. ۳- بانک پذیری. ۴- مدیریت و حکمرانی خوب شهری (Word Bank, 1999: 25).

CDS به عنوان برنامه عمل برنامه‌ریزی استراتژیک به حساب می‌آید و در فرایندی پویا مبتنی بر اندیشه استراتژیک تهیه و اجرا می‌شود؛ بر این اساس، استراتژی توسعه شهری توأمان بر تهیه و اجرای سند تأکید داشته، تدوین آن بر پایه چشم‌اندازسازی مشارکتی است (گلکار، آزادی، ۱۳۸۴: ۵۹). عناصر سازنده و مراحل فرایند تهیه و اجرای سند «راهبرد توسعه شهر» (CDS) بر حسب ویژگی و نیاز شهرها متنوع هستند (Sim et al: 2003: 121).

شایان ذکر است که طراحی و تدوین استراتژی توسعه شهری مانند اغلب طرح‌های شهری لزوماً به معنی فرایند خطی نیست که با ارزیابی وضع موجود آغاز گردد و به اجرا ختم شود، چرا که تدوین این رهیافت

است که به عنوان یک استراتژی گسترده شهری، شهر را به عنوان موتور توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد و تأثیر مستقیمی در کاهش فقر، اقتصاد محلی و بهبود حکمرانی دارد. رویکرد CDS با توجه به شرایط ملی و محلی تغییر می‌کند. (صرافی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). با وجود این، بدون توجه به تفاوت‌های محلی، اغلب استراتژی‌های توسعه شهری به عنوان یک فرایند مشارکتی و بهبود مؤثر در سه موضوع مدیریت شهری، رشد اقتصادی و کاهش فقر مورد توجه است (Ump, City Development Strategy, 2002: 11).

یافته‌های پژوهش

در این قسمت در استای پاسخ به فرضیات و سؤالات تحقیق به تحلیل یافته‌ها می‌پردازیم. فرضیه اول: به نظر می‌رسد که پایگاه اجتماعی-اقتصادی شهروندان بر میزان مشارکت آنان در فرایند توسعه شهری تأثیر دارد. برای بررسی فرضیه فوق تحصیلات، شغل و درآمد پاسخگویان مورد آزمون قرار گرفته است.

جدول ۱: بررسی رابطه بین تحصیلات شهروندان و میزان مشارکت در توسعه شهری F-test

سطح معناداری	F	تحصیلات			مشارکت مناطق	
		میانگین مربعها	درجه آزادی	مجموع مربعها	بین گروهی	درون گروهی
۰.۰۲۵	۴.۵۴۶	۱۹۴.۰۶۶	۳	۵۱۶.۲۷۹	بین گروهی	منطقه ۱
		۵۵.۴۵۰	۴۳	۲۱۴۰.۹۵۵	درون گروهی	
۰.۰۲۳	۳.۶۷	۱۴۲.۱۴۵	۴	۵۲۴.۵۳۵	بین گروهی	منطقه ۲
		۴۵.۰۶۰	۱۶۹	۷۶۱۵.۱۰۳	درون گروهی	
۰.۰۰۰	۱۷.۷۵۶	۳۹۸.۵۴۳۸	۵	۱۹۳۴.۶۴۰	بین گروهی	منطقه ۳
		۲۳.۱۹۱	۱۵۶	۳۶۱۷.۸۶۰	درون گروهی	

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول بالا بیانگر این واقعیت است که تفاوت‌های مشاهده شده در میزان مشارکت شهروندان در فرایند توسعه شهری در هر سه منطقه بر حسب تحصیلات واقعی بوده است و قابل تعمیم به جامعه آماری است. به نظر می‌رسد بین این دو متغیر رابطه معناداری در هر سه منطقه وجود دارد. میانگین نمره تحصیلات در منطقه یک ۱۹۴.۰۶۶ در بین گروهها و درون گروهها ۴۵۰/۵۵ است و تفاوت در میانگین‌ها وجود دارد؛ بنابراین با توجه به مقدار $F=4.235$ و سطح معناداری ۰.۰۳۳ تفاوت میانگین‌ها در حداقل، در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. فرضیه وجود رابطه بین تحصیلات و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۱ تأیید می‌گردد.

میانگین نمره تحصیلات در منطقه دو ۴۰۹.۷۶۵ در بین گروهها و درون گروهها ۵۰.۴۵۶ است و تفاوت در میانگین‌ها وجود دارد. با توجه به مقدار $F=8.876$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ تفاوت میانگین‌ها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است.

میانگین نمره تحصیلات در منطقه سه ۱۳۳.۶۷۶ در بین گروهها و درون گروهها ۳۸.۸۷۶ است و تفاوت در میانگین‌ها وجود دارد؛ بنابراین با توجه به مقدار $F=3.675$ و سطح معناداری ۰.۰۲۸ تفاوت میانگین‌ها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه وجود رابطه بین شغل و مشارکت شهروندان در منطقه ۳ تأیید می‌گردد.

یکی دیگر از شاخص‌های تأثیرگذار بر میزان مشارکت شهروندان میزان درآمد است. نتایج یافته‌ها در جدول ۲ نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده در میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۱ و ۲ بر حسب درآمد واقعی بوده است. اما تفاوت‌های مشاهده شده در میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۳ بر حسب درآمد واقعی نبوده و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست.

میانگین نمره تحصیلات در منطقه دو ۴۰۹.۷۶۵ در بین گروهها و درون گروهها ۵۰.۴۵۶ است و تفاوت در میانگین‌ها وجود دارد؛ بنابراین با توجه به مقدار $F=4.564$ و سطح معناداری ۰.۰۳۳ تفاوت میانگین‌ها در حداقل، در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. فرضیه وجود رابطه بین تحصیلات و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۱ تأیید می‌گردد. میانگین نمره تحصیلات در منطقه دو ۱۴۲.۱۴۵ در بین گروهها و درون گروهها ۴۳.۰۶۰ می‌باشد و تفاوت در میانگین‌ها وجود دارد؛ بنابراین با توجه به مقدار $F=3.67$ و سطح معناداری ۰.۰۳۴ تفاوت میانگین‌ها در حداقل، در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. فرضیه وجود رابطه بین تحصیلات و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۲ تأیید می‌گردد. میانگین نمره تحصیلات در منطقه سه ۳۹۸.۵۴۳ در بین گروهها و درون گروهها ۲۷.۴۱۲ می‌باشد و تفاوت در میانگین‌ها وجود دارد. با توجه به مقدار $F=17.765$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ تفاوت میانگین‌ها در حداقل، در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است؛ بنابراین فرضیه وجود رابطه بین تحصیلات و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه نیز ۳ تأیید می‌شود.

نتایج جدول تحلیل واریانس‌ها بین شغل شهروندان و میزان مشارکت بیانگر این واقعیت است که تفاوت‌های مشاهده شده در میزان مشارکت شهروندان در هر سه منطقه بر حسب شغل واقعی بوده است و قابل تعمیم به جامعه آماری است. میانگین نمره تحصیلات در منطقه یک ۲۰۸.۰۵۶ در بین گروهها و درون گروهها

جدول ۲: بررسی رابطه بین درآمد و میزان مشارکت در توسعه شهری از طریق F-test

درآمد		مشارکت در مناطق				
سطح معناداری	F	میانگین مربعها	درجه آزادی	مجموع مربعها	بین گروهی	درون گروهی
۰.۰۰۶	۴.۷۰۲	۲۳۴.۵۶۷	۳	۶۵۶.۳۷۵	منطقه ۱	۲۰۰۰.۸۵۹
		۴۵.۶۷۶	۴۳	۱۶۴.۶۶۸		بین گروهی
۰.۴۹۴	۰.۸۵۳	۴۱.۱۶۷	۴	۱۶۴.۶۶۸	منطقه ۲	۷۹۱۵.۳۸۰
		۴۸.۲۶۶	۱۶۴	۱۴۶۸.۳۲۳		درون گروهی
۰.۰۰۰	۱۸.۴۹۵	۴۸۹.۴۴۱	۳	۱۴۶۸.۳۲۳	منطقه ۳	۴۰۴۹.۰۰۲
		۲۶.۴۶۴	۱۵۳			بین گروهی

منبع: یافته‌های تحقیق

نمی‌باشد. فرضیه وجود رابطه بین درآمد و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۳ تأیید نمی‌گردد. میانگین نمره تحصیلات در منطقه سه ۴۸۹.۴۴۱ در بین گروهها و درون گروهها ۲۶.۴۶۴ می‌باشد و تفاوت در میانگینها وجود دارد؛ بنابراین با توجه به مقدار $F=26.464$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ تفاوت میانگینها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار است و فرضیه وجود رابطه بین درآمد و مشارکت شهروندان در توسعه شهری در منطقه ۳ تأیید می‌گردد. شناخت مردم از مشارکت و میزان مشارکت شهروندان در توسعه شهری رابطه معناداری وجود دارد.

میانگین نمره درآمد در منطقه یک، ۲۳۴.۵۶۷ در بین گروهها و درون گروهها ۴۵.۶ می‌باشد و تفاوت در میانگینها وجود دارد؛ بنابراین با توجه به مقدار $F=4.702$ و سطح معناداری ۰.۰۰۶ تفاوت میانگینها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار است و فرضیه وجود رابطه بین درآمد و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در منطقه ۱ تأیید می‌گردد. میانگین نمره درآمد در منطقه دو ۲۲۴۱.۱۶۷ در بین گروهها و درون گروهها ۴۸.۲۶۶ است و تفاوت در میانگینها وجود ندارد. با توجه به مقدار $F=0.494$ و سطح معناداری ۰.۴۹۴ تفاوت میانگینها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار

جدول ۳: بررسی رابطه بین شناخت و میزان مشارکت در تصمیم سازی و توسعه شهری از طریق ضریب همبستگی

شناخت مردم از مشارکت			آزمون پیرسون	میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری
منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳		
۰.۷۶۵	۰.۵۶۴	۰.۴۵۶		
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	سطح معناداری	

منبع: یافته‌های تحقیق

از مشارکت به‌عنوان متغیر مستقل و میزان مشارکت شهروندان در توسعه شهری به‌عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی این دو متغیر در منطقه ۳ برابر با ۰.۴۵۶ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد با سطح نسبتاً پایین مورد تأیید واقع شده است؛ بنابراین، بین شناخت مردم از مشارکت به‌عنوان متغیر مستقل و میزان مشارکت شهروندان در توسعه شهری به‌عنوان متغیر وابسته، رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد که بین میزان اعتماد و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

تحلیل ضریب همبستگی میزان مشارکت در تصمیم سازی بیانگر وجود این دو متغیر در منطقه ۱ برابر با ۰.۷۶۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد و با سطح نسبتاً بالایی مورد تأیید واقع شده است؛ بنابراین، بین شناخت مردم از مشارکت به‌عنوان متغیر مستقل و میزان مشارکت شهروندان در تصمیم سازی و توسعه شهری به‌عنوان متغیر وابسته؛ رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی این دو متغیر در منطقه ۲ برابر با ۰.۵۶۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد، با سطح پایینی مورد تأیید واقع شده است و بین شناخت مردم

جدول ۴: بررسی رابطه بین اعتماد و میزان مشارکت در توسعه شهری از طریق ضریب همبستگی

میزان اعتماد به مدیریت شهری			آزمون پیرسون سطح معناداری
منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	
۰.۷۳۴	۰.۶۴۵	۰.۵۴۳	
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

است. ضریب همبستگی این دو متغیر در منطقه ۲ برابر با ۰.۶۴۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد و در سطح متوسط مورد تأیید واقع شده است؛ در نتیجه، بین اعتماد به مدیریت شهری به‌عنوان متغیر مستقل و

سطح معناداری آزمون پیرسون در مناطق مورد مطالعه نشان داد که ضریب همبستگی این دو متغیر در منطقه ۱ برابر با ۰.۷۳۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است و با سطح نسبتاً بالایی مورد تأیید واقع شده

میزان مشارکت شهروندان به مدیریت شهری به عنوان متغیر وابسته، رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد. فرضیه سوم تحقیق: به نظر می‌رسد که میزان مشارکت شهروندان در توسعه شهری در مناطق مختلف متفاوت است.

میزان مشارکت شهروندان به توسعه شهری به عنوان متغیر وابسته، رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی این دو متغیر در منطقه ۳ برابر با ۰.۵۴۳. با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد و در سطح نسبتاً پایین مورد تأیید واقع شده است؛ بنابراین، بین اعتماد به مدیریت شهری به عنوان متغیر مستقل و

جدول ۵: بررسی رابطه بین توانمند سازی و میزان مشارکت در توسعه شهری F-test

منطقه زندگی						
سطح معناداری	F	میانگین مربعها	درجه آزادی	مجموع مربعها	بین گروهی	میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری
۰.۰۰۰	۳۸.۶۷۵	۱۱۹.۵۴۳	۲	۲۴۵۶.۸۷۶	بین گروهی	
		۵۴.۷۸	۲۸۰	۱۶۷۵۶.۸۷۶	درون گروهی	

منبع: یافته‌های تحقیق

وجود رابطه بین منطقه زندگی و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری تأیید می‌گردد. چنانچه در جدول ۶ مشاهده می‌کنید، میانگین مشارکت در منطقه یک ۳۴.۶۷ است که بیش از منطقه ۲ و ۳ می‌باشد و می‌توان ادعان داشت که شهروندانی که در منطقه یک قزوین زندگی می‌کنند، میزان مشارکتشان از دو منطقه دیگر بیشتر است. این در حالی است که نمره میانگین در منطقه ۲ با ۲۵.۶۷ بیش از منطقه ۳ می‌باشد و نمره میانگین مشارکت شهروندان در منطقه ۳ برابر با ۲۱.۸۷ است که از دو منطلق دیگر کمتر می‌باشد.

جدول بالا آزمون تحلیل واریانسها می‌باشد و بیانگر این واقعیت است که تفاوت‌های مشاهده شده در بین توانمند سازی و میزان مشارکت شهروندان در توسعه شهری بر حسب منطقه زندگی واقعی بوده است و قابل تعمیم به جامعه آماری است. به نظر می‌رسد بین این دو متغیر، رابطه معناداری در هر سه منطقه وجود دارد. میانگین نمره منطقه زندگی ۱۱۹.۵۴۳ در بین گروهها و درون گروهها ۵۴.۷۸ می‌باشد و تفاوت در میانگینها وجود دارد؛ بنابراین، با توجه به مقدار $F=38.675$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ تفاوت میانگینها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار می‌باشد؛ در نتیجه، فرضیه

جدول شماره ۶: نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون ارزیابی توانمندسازی زنان

آزمون آماری	انحراف معیار	میانگین	تعداد	مناطق سه گانه قزوین (درصد)
T=2.597 S=0.1	۰.۵۱۴۷	۲.۸۸۸	۱۰۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

برای ارزیابی شاخص سطح فعالیت توانمندسازی زنان، چهار گویه در قالب مقیاس ترتیبی پنج سطحی لیکرت در پرسشنامه تعریف شده است. پس از بررسی تک تک گویه‌ها، به منظور محاسبه سطح این شاخص، میانگین امتیاز حاصل از گویه‌ها با هم ترکیب و فیلد جدیدی ایجاد شده است. استفاده از آزمون t نشان می‌دهد که میانگین سطح این شاخص در شهر قزوین برابر با ۲.۹۳ است. آماره t برابر t ۳.۱۷۵ = و سطح معنی‌داری حاصل S ۰.۰۰۳ = و کمتر از ۰.۰۵ است.

جدول ۷: مقایسه میانگین ارزیابی توانمندسازی زنان در مناطق مورد بررسی

منطقه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف معیار
۱	۳۴.۶۷	۸.۹	۱.۶۸۹
۲	۲۵.۶۷	۷.۶۵۴	۰.۶۷۵۰
۳	۲۱.۸۷	۶.۷۶۴	۰.۵۴۳
کل	۱۷.۳۰	۶.۹۹۴	۰.۴۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

تنظیم استراتژی چشم‌انداز سازی

در تهیه سند CDS، چشم‌اندازسازی قلب فرایند را تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر، چشم‌اندازسازی فرایندی است درباره آینده تصویری که یک جامعه می‌خواهد و سپس طرحی برای اینکه چگونه باید به آن برسد. تحلیل پرسشنامه‌ها حاکی از آن است که چشم‌اندازسازی آینده شهر قزوین باید چشم‌اندازی مشارکتی باشد؛ به این معنی که چشم‌انداز باید به صورت متقابل درک شده و به وسیله بهره‌وران مختلف شهری حمایت شود. عوامل اصلی موفقیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی توسعه شهری قزوین، مجراهایی

است که به آسانی قابل دسترس بوده و توده مردم بتوانند از آن به‌عنوان یک میانجی با مسئولین برنامه‌ریزی استفاده کنند. پرسش‌شوندگان اظهار داشته‌اند که کانال‌های زیادی برای مشارکت وجود دارد و ممکن است اجتماعات محلی، گروه‌های کار یا گروه‌های بحث و گروه‌های تعاونی را شامل بشود؛ بنابراین، مشارکت اجتماعی در فرایند استراتژی توسعه شهری قزوین، نیازمند بستر مناسب خود است و بدون تحقق آن جریان پیدا نمی‌کند. بستر مناسب برای مشارکت فعال همه مردم، تقویت جامعه مدنی و فرایندهای وابسته به آن است.

جدول ۸: مؤلفه‌های تأثیرگذار و ساختار فرصت در رویکرد استراتژی توسعه شهری قزوین در سطح محلات مورد مطالعه

حوزه	سطح محله	سطح ناحیه	مؤلفه‌های تأثیرگذار و ساختار فرصت
اقتصادی	میزان دسترسی به مراکز اقتصادی در سطح محله میزان کسب و کارهای نوظهور در سطح محله	- میزان مراکز اقتصادی در سطح ناحیه - میزان طرح‌های اقتصادی شهری در اختیار کارآفرینان	(۱) سطح درآمد و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها (۲) داشتن مهارت‌های عمومی و تخصصی جهت فعالیت‌های کارآفرینانه (۳) میزان مشارکت اقتصادی شهروندان در مناسبت‌های محلی و ناحیه‌ای
اجتماعی و فرهنگی	توسعه و گسترش کانون‌ها و میزان مشارکت در تصمیم‌سازی	- نرخ افزایش انجمن‌ها، خیریه‌ها و سازمانهای مردم‌نهاد - در تصمیم‌سازی	(۱) کیفیت حضور در تجمعات صنفی و کارگروه‌های مشارکت در تصمیم‌سازی (۲) وضعیت فعالیت مداوم کانون‌های مشارکت (۳) میزان تمایل به راه‌اندازی مؤسسات ترویج آموزش شهروندی (۴) میزان ارتباط شبکه‌های اجتماعی بین محلات و نواحی (۵) فراهم بودن بستر آموزش و ترویج فرهنگ آموزش شهروندی
حقوقی و قانونی و اداری	میزان آشنایی با قوانین و حقوق شهروندی مرتبط با محلات	- میزان آشنایی با قوانین مرتب با فعالیت‌های توانمندسازی شهروندان	(۱) کیفیت ارائه خدمات با رعایت حقوق شهروندی (۲) نحوه برقراری عدالت اجتماعی در سطح محله و ناحیه (۳) ساختار اداری بین مدیریت شهری در نواحی و توانمندسازی (۴) اصلاح و تغییر نگاه مدیریتی و عوامل اجرایی در سطح مدیریت شهری نواحی و داشتن رویکرد چشم‌انداز سازی

تحلیل رگرسیون چند متغیره

هرچند آزمون‌های دو متغیره که برای سنجش صحت و سقم فرضیات پژوهش مورد استفاده ضروری می‌نماید، اما به‌منظور دستیابی به تصویر روشنتری از عوامل مؤثر بر گرایش به مشارکت مبادرت به انجام تحلیل رگرسیون چندگانه می‌شود. برای تحلیل رگرسیون چندگانه، چند روش وجود دارد که در این پژوهش از روش گام‌به‌گام ۱ استفاده می‌شود. در این روش، ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد، وارد معادله می‌شود. دومین متغیری که

وارد معادله می‌شود، متغیری است که پس از تفکیک متغیر قبل بیشترین افزایش را در واریانس تبیین شده دارد. برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره، با در نظر گرفتن متغیر میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به‌عنوان متغیر وابسته، کلیه متغیرهای مستقل وارد معادله و تحلیل شده‌اند. به همین منظور متغیرهای اعتماد، شناخت از مدیریت شهری پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تأهل و جنسیت، نوع مسکن و محل زندگی و منطقه زندگی شهروندان وارد شده تا معناداری آنها در تحلیل چندگانه بررسی شود.

جدول ۹: مدل رگرسیون چند متغیره

مدل	معناداری F	F	R	R ²	چندگانه R
اعتماد	۰.۰۰	۱۴۵.۶۷۵	۰.۵۴۳	۰.۲۸۷	۰.۲۷۶
تحصیلات	۰.۰۰	۱۳۳.۶۵۴	۰.۷۱۲	۰.۴۳۲	۰.۳۹۵
جنسیت	۰.۰۰	۱۱۲.۰۶۵	۰.۶۷۸	۰.۵۷۶	۰.۴۶۷
منطقه	۰.۰۰	۹۸.۶۵۳	۰.۶۵۴	۰.۴۵۳	۰.۴۹۱
تأهل	۰.۰۰	۵۴.۱۲۳	۰.۷۱۳	۰.۵۰۹	۰.۴۸۹
شناخت	۰.۰۰	۶۷.۷۶	۰.۷۳۰	۰.۵۴۳	۰.۵۶۷

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۱۰: متغیرهای وارد شده به مدل نقش آموزش شهروندی در توسعه شهری

متغیر	ضریب B	انحراف استاندارد	ضریب رگرسیونی Beta	T	سطح معناداری T
اعتماد	۰.۲۷۶	۰.۲۷	۰.۵۴۳	۱۱.۶۷۵	۰.۰۰
تحصیلات	۱.۸۷۶	۰.۱۹۷	۰.۵۸۷	۸.۱۲۳	۰.۰۰
جنسیت	۳.۸۹۶	۰.۵۶۴	۰.۳۴۵	۷.۷۶۲	۰.۰۰
منطقه	-۰.۲۶۰	۰.۰۶۷	-۰.۱۹۹	-۳.۸۷۵	۰.۰۰
تأهل	۲.۰۷۸	۰.۶۳۲	۰.۱۵۴	-۴.۷۶۳	۰.۰۰
شناخت	۰.۲۹۸	۰.۸۹۷	۰.۲۳۴	۴.۶۵۴	۰.۰۰
مقدار ثابت	-۲.۰۸۹	۲.۷۴۲		-۸.۵۴۳	۰.۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۹۴.۰۶۶ و در بین گروهها و درون گروهها ۴۵۰/۵۵ می باشد و تفاوت در میانگینها وجود دارد و با توجه به مقدار $F=4.564$ و سطح معناداری ۰.۰۳۳ تفاوت میانگینها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. نتایج جدول تحلیل واریانسها بین شغل شهروندان و میزان مشارکت، بیانگر این واقعیت است که تفاوتهای مشاهده شده در میزان مشارکت شهروندان در هر سه منطقه بر حسب شغل واقعی بوده است و قابل تعمیم به جامعه آماری است. میانگین شاخص تحصیلات در منطقه دو ۴۰۹.۷۶۵ در بین گروهها و درون گروهها ۵۰.۴۵۶ می باشد و تفاوت در میانگینها وجود دارد؛ بنابراین، با توجه به مقدار $F=8.876$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ تفاوت میانگینها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار می باشد. یکی دیگر از شاخصهای تأثیر گذار بر میزان مشارکت شهروندان، میزان درآمد است. نتایج یافتهها بیانگر آن است که میانگین نمره درآمد در منطقه یک ۲۳۴.۵۶۷ در بین گروهها و درون گروهها ۴۵.۶ می باشد با توجه به مقدار $F=4.702$ و سطح معناداری ۰.۰۰۶ تفاوت میانگینها در حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار می باشد.

بررسی همبستگی رابطه بین اعتماد و میزان مشارکت در توسعه شهری نیز از طریق ضریب همبستگی رابطه معناداری را بین متغیرها در هر سه منطقه نشان داد و ضریب همبستگی این دو متغیر در منطقه ۱ برابر با ۰.۷۳۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می باشد و با سطح نسبتاً بالایی مورد تأیید واقع شده است؛ بنابراین، بین اعتماد به مدیریت شهری به عنوان متغیر مستقل و میزان مشارکت شهروندان به مدیریت شهری به عنوان متغیر وابسته، رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی این دو متغیر در منطقه ۲ برابر با ۰.۶۴۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می باشد و در سطح متوسط مورد تأیید واقع شده است.

نتیجه آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه حاکی از این است که F حداقل میانگین شش تا از متغیرهای نامساوی صفر است. پس شش متغیر وارد مدل شده است. $R^2 = 0.19$ درصد واریانس متغیر آموزش شهروندان را تبیین کرده است؛ بنابراین، از متغیرهای مستقلی که وارد جدول شده، شش متغیر: اعتماد، تحصیلات، جنسیت، منطقه، وضعیت تأهل و شناخت از مدیریت شهری، دارای تأثیر معنادار روی متغیر وابسته بوده است که با سطح معناداری ۰/۰۰۰ معنادار است. پیش بینی میزان آموزش شهروندان در مدیریت شهری در جمعیت مورد مطالعه عبارت است از:

$$+ اعتماد(0.276) + 27.087 - مشارکت شهروندان در توسعه شهری + جنسیت (2.763) + تحصیلات(1.678) + شناخت (0.32) + تاهل (2.098) + منطقه(-0.654)$$

پس می توان اذعان داشت که متغیرهای اعتماد، تحصیلات، جنسیت، منطقه، وضعیت تأهل و شناخت از مدیریت شهری، بر مشارکت شهروندان در توسعه شهری تأثیر داشته اند.

جمع بندی و نتیجه گیری

نتایج حاکی از آن است که به منظور اجرای استراتژی توسعه شهری به عنوان یک فرایند مشارکتی، باید بسترهای مناسب آن در شهر قزوین فراهم شود. در این راستا، نتایج ارزیابی متغیرهای آمار ناپارامتری در ارتباط با مقایسه میزان مشارکت شهروندان در فرایند استراتژی توسعه شهری نشان داد که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت آنان، رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج بررسی آزمون f -test نیز رابطه بین تحصیلات میزان مشارکت را به طور مستقیم و معنی دار بیان کرده است. از این رو، بین این دو متغیر رابطه معناداری در هر سه منطقه وجود دارد. میانگین نمره تحصیلات در منطقه یک

کرد و با اصلاح نگاه مدیریتی و عوامل اجرایی به رویکرد چشم‌اندازساز استراتژی توسعه شهری دست یافت.

پیشنهادها

۱. اعتمادسازی شهروندان نسبت به توسعه شهری: می‌توان با برگزاری نشست‌ها و هم‌اندیشی‌هایی با موضوع برنامه‌ریزی برای محله خود، تشکیل گروههایی از ذی‌نفعان جهت شناخت و حل مسائل محله، تقویت روحیه شهروندی و استفاده از ابزارهای تشویقی مانند تجلیل از شهروندان نمونه در مناسبت‌های مختلف، باعث ایجاد و یا تقویت حس اعتماد نسبت به توسعه شهری شد.
۲. ایجاد احترام به شأن و منزلت ساکنین محله در امر برنامه‌ریزی محیط آن‌ها از طریق دخیل کردن و به‌کارگیری فکر و اندیشه آن‌ها در برنامه‌ریزی محله.
۳. ایجاد فضاهای عمومی بیشتر جهت بسط تعاملات اجتماعی شهروندان و ساکنین محله.
۴. ارتقا و افزایش آگاهی ساکنین نسبت به توسعه شهری و محله خود از راههای مختلف مانند نشریات محله‌ای و توزیع منظم و رایگان آن‌ها در محلات.
۵. ایجاد شادابی و نشاط در ساکنین با برگزاری مراسم دسته‌جمعی در مناسبت‌های مختلف، مانند اعیاد ملی و مذهبی و ایجاد زمینه برای حضور ساکنین در این گردهمایی‌ها.
۶. ایجاد و یا افزایش حس تعلق به محیط زندگی در شهروندان. این امر باعث ایجاد و یا افزایش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به محله و در نتیجه، حضور و مشارکت ساکنین در امور محله می‌گردد.

نکته جالب توجه آن است که در آزمون تحلیل واریانس‌ها، رابطه بین توانمندسازی و مشارکت در توسعه شهری را منطقه یک ۳۴/۶۷ ارزیابی شده که بیش از منطقه دو و سه است. همچنین می‌توان اذعان داشت که شهروندانی که در منطقه یک قزوین زندگی می‌کنند، میزان مشارکتشان از دو منطقه دیگر بیشتر است. این در حالی است که نمره میانگین در منطقه ۲ با ۲۵.۶۷ بیش از منطقه ۳ می‌باشد و نمره میانگین مشارکت شهروندان در منطقه ۳ برابر با ۲۱.۸۷ می‌باشد که از دو منطقه دیگر کمتر است.

لذا می‌توان گفت که از دیدگاه جامعه آماری، چشم‌اندازساز آینده شهر قزوین باید چشم‌اندازی مشارکتی باشد؛ معنی آن این است که چشم‌انداز باید به صورت متقابل درک شده و به وسیله بهره‌وران مختلف شهری حمایت شود. عوامل اصلی موفقیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی توسعه شهری قزوین، مجراهایی است که به آسانی قابل دسترس بوده و توده مردم بتوانند از آن به‌عنوان یک میانجی برای مشارکت در اجتماعات محلی، کارگروه‌های اجتماعی استفاده کنند؛ در نتیجه، خطوط مؤلفه‌های تأثیرگذار و ارائه ساختار فرصت در رویکرد استراتژی توسعه شهری قزوین در سطح مناطق مورد مطالعه را می‌توان به سطوح زیر ترسیم کرد که در حوزه اقتصادی شاخص سطح درآمد و وضعیت اقتصادی خانوادها، از مهمترین مؤلفه‌های آن محسوب می‌شود و در حوزه فرهنگی و اجتماعی، با آماده کردن توسعه و گسترش میزان مشارکت در تصمیم‌سازی می‌توان ساختار فرصت را در زمینه کیفیت حضور در کارگروه‌های مشارکت در تصمیم‌سازی و راه‌اندازی مؤسسات ترویج آموزش شهروندی برای مشارکت در سطح مناطق آموختن و با فراهم کردن بستر آموزش فرهنگ شهروندی و ترویج قوانین و حقوق مرتبط با مناطق برقراری، می‌توان زمینه را برای توانمندسازی فراهم

منابع

- صرافی، مظفر (۱۳۸۷). تحقق مفهوم شهروندی در قوانین کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، تهران، صص: ۱۶۸-۱۵۳.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، چاپ اول، تهران: سازمان شهرداری‌ها.
- علیزاده، علی (۱۳۹۰). تحلیل مشارکت اجتماعی، چاپ اول، شیراز: انتشارات مهتاب نو.
- عسگری، ناهید (۱۳۸۷). الزامات مشارکت شهروندان، فصلنامه تدبیر، شماره ۴۸، تهران، صص: ۶۷-۴۳.
- کاشمری، علی (۱۳۸۹). مشارکت شهروندان، چالش‌ها و راهکارها، اداره مسکن و شهرسازی استان فارس.
- محاذی، علی (۱۳۹۰). مدیریت محلی و توسعه پایدار محلی، مجموعه مقالات همایش توسعه محلی، جلد سوم، تهران: شهرداری تهران
- مشکینی، ابوالفضل (۱۳۹۳). ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری؛ مطالعه موردی: اوین تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۳۱، صص ۴۲-۳۱.
- مطوف، شریف (۱۳۸۰). نقش مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه کشور، فصلنامه پژوهش، جهاددانشگاهی، شماره ۳، تهران، صص: ۵۶-۳۴.
- نجاتی، محمود (۱۳۸۱). سیاست شهروندی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، تهران، صص: ۴۳-۲۳.
- نوروزی، فیض‌الله (۱۳۸۹). مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۲، تهران، صص: ۲۶۹-۲۴۹.
- نوریان، فرشاد (۱۳۹۱)، تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۷- شماره ۲، صص ۲۷-۱۵.
- ناصری، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در توسعه پایدار، چاپ اول، تهران: وزارت راه و شهرسازی، معاونت معماری شهرسازی.
- هاشمی، سید مناف (۱۳۹۲). سیاست‌های مدیریت شهری در کشورهای مختلف: رویکردهای راهبردی-یکپارچگی شهری، تهران: انتشارات طحان.
- اشراقی، یوسف (۱۳۸۹). چشم‌انداز مشارکتی در فرایند راهبرد توسعه شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، تهران، صص: ۱۸۳-۱۶۷.
- اکبریان، احمد (۱۳۹۲). مفهوم مشارکت در استراتژی توسعه شهری، اولین همایش توسعه شهری و پایداری اجتماعات محلی، شهرداری.
- تقوایی، مسعود (و باباناسب، رسولوموسی، چمران ۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛ مورد مطالعه: منطقه ۴ شهر تبریز، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۲، اصفهان، صص: ۳۶-۱۹.
- کاردار، سعید (۱۳۸۸). طرح استراتژی توسعه شهری رویکردی نوین، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۲، تهران، صص: ۱۹۹-۱۸۳.
- حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۹۰). امکان‌سنجی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری در ایران، مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۸، اصفهان، صص: ۷۶-۵۵.
- حیدری چپانه، رحیم (۱۳۸۹). نقش استراتژی توسعه شهری در سیاست‌های تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۳، تهران، صص: ۸۲-۵۹.
- خانی، فضیله (۱۳۸۸). تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴، تهران، صص: ۱۱۳-۹۵.
- دانیالی، حسن (۱۳۸۶). زمینه‌های مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری؛ مورد: شهر همدان، وزارت مسکن و شهرسازی همدان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین (۱۳۹۰). ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی شهر قزوین.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹). مدیریت شهری، چاپ اول، تهران: وزارت کشور، شارمند، مهندسین مشاور (۱۳۷۹). شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری، وزارت کشور، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- سعیدی، حسین‌علی (۱۳۹۰). استراتژی توسعه شهری- رویکردها- مجموعه مقالات همایش مدیریت توسعه پایدار شهری، دانشگاه آزاد بوکان

- Kelvin.Brak (2012) for Strategic Planning Landan and Vewyork Press.
- Kowat Ofoski.K (2013) the Politics of Phanning and Development Estrategy Praeger Publisher.NY.
- Marall. G (۲۰۱۱)the Paradigms of Planning Theories. Pergamon Press.
- Sanel,h(2011)demogratc gorrance, Washington, world bankfirst edition,423p
- Ravin,k(2010)social capital and household in cities,university of Ibadan,Ibadan Nigeria,first edition,211p
- Rizter,g(2008)popular participation in development,paris,unesco,first edition,289p
- Wandey,l(2007)forms of participation and urban planning, London, Firstedition, 342p
- World Bank (2008), Slum Upgrading Up Close: Experiences of Six Cities
- Alendo,s(2011)urbanstructure and participation. american sociologigal review,vol21,PP18-31
- Brener,g(2014)Phanning and Development Estrategy , london and newyork Cities Alliance (2008), "Community-Led Infrastructure Finance Facility (CLIFF)", Annual report, Washington D.C
- Falekan, h (2012) citizenship participation, Washington , world bank 311p-
- Flusika,g(2009)participation,concept,ncd,malysia,vo 130.no2.pp 66-89
- Fresed,s(2009)urbanmanangement,pergamon,London, first edition,321 p
- Jekwal. Smith (2014) Methods of Development Strategy. Rutgeys. New Geysey.
- Humikan, L (2012) City and Development .UniverSity College Landan
- Kamilon,g(2011)culture and urban planning,university of mcgill Canada,432p
- Kadman. Smith (2013) Report of Locevl Service and Development Estrategy. Isoca Congress.